

اتفاق کننده و خدای او از هم راضی هستند

احمد عدالتیان ا در ادامه مرور سوره های قرآن کریم به سوره مبارک لیل (شب) رسیدیم و آیات یک تا ۱۶ آن را باهم تلاوت کردیم. خداوند متعال در بخش پایانی این سوره (آیات ۱۷ تا ۲۱) می فرماید: «وَسَيَجْثِبُنَا الْأَنْفُسُ الَّتِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى: وَمَا لِيَ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى: إِلَّا نِيفَاءً وَخَوْفَةً أَلْعَلَى: وَلَسَوْفَ يَرْضَى: باتقواترین مردم از آن آتش، دور داشته خواهد شد؛ همان که مال خود را می بخشد تا پاک شود، درحالی که برای احدی از کسانی که به آنان مال می بخشد [نعمت و منتی که باید جزا داده شود، نزد او نیست، جز رضای پروردگار بلندمرتبه اش، نمی طلبد و به زودی خشنود شود.»

گفتم یک از سنت های الهی که خداوند بر خود واجب کرده، هدایت مردم از طریق عقل و فطرت و پیامبران است و بدبخت ترین انسان، کسی است که نشانه های الهی را نمی بیند.

در این بخش، درباره باتقواترین انسان صحبت می شود، کسی که از اموالش به فقرا می بخشد و جز راضی کردن خداوند، هدفی از این کار ندارد. تقوا، همراه با کمک به محرومان، سپری دربرابر آتش دوزخ است و کمک های مالی خالصانه، شیوه دائمی پرهیزگاران، نشانه تقوا و راهی برای تزکیه و خودسازی است.

نکته دیگر اینکه کمک های مالی که برای جبران خوبی های دیگران باشد، مایه رشد نیست و انفاق، زمانی ارزشمند است که انسان مدیون دیگران نباشد و چشم داشتی هم نداشته باشد. شخص متقی در انفاق خود، جز رضای خدا به دنبال چیز دیگری نیست. انسان مخلص، به مقام رضا می رسد و همواره از خداوند خشنود است. پروردگار او نیز اعلی است و وقتی فقط رضای او جست و جوشده باشد، پاداش اعلی مرحمت می کند.

حکمت

جامعه ای که دانایش، لب بسته و نادانش، افسارگسیخته است

محمدجواد علیپورا شاید هیچ یک از بحران های اجتماعی و اخلاقی عصر ما، به اندازه «وارونگی ارزش ها»، دردناک و خطرناک نباشد، وضعیتی که در آن، معروف و منکر جای خود را عوض می کنند و جامعه به جای حرکت به سمت روشنائی، در تاریکی خودساخته دست و پا می زند. این تصویر تلخ، قرن ها پیش در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه دوم نهج البلاغه با دقتی شگفت انگیز ترسیم شده است: تصویری از مردمی که در فتنه ها غوطه ورند و راه نجاتی نمی یابند.

در خطبه ای که فرزهای آن را خواندیم، امام علی (ع) جامعه ای را توصیف می کنند که در آن «ریسمان دین پاره شده و ستون های یقین به لرزه درآمده است». در چنین جامعه ای، هدایت، خاموش و گمنام است و کوری و گمراهی، همه جاگیر مردم، به جای اطاعت از خداوند رحمان، فرمانبردار شیطان شده اند و در مسیرهایی قدم می گذارند که جز گمراهی، ثمره ای ندارد. این همان وضعیتی است که امروزه باتعابیری چون «شکاف نسلی»، «بحران هویت» و «غلبه ناامیدی» توصیفش می کنیم، اما ریشه آن، فراتر از مسائل اقتصادی و سیاسی، در فروپاشی باورها و تزلزل یقین است، البته اوج ترازوی در کلام امام (ع)، جمله پایانی آن است، «در سرزمینی که دانایش، دهان بسته و ذلیل است و نادانش، افسارگسیخته و ارجمند»، این وارونگی، دقیقا نقطه ای است که یک جامعه را به پرتگاه می کشاند، وقتی خردمندان و عالمان دلسوز، از ترس اتهام یا طرد شدن، سکوت کنند و عرصه به دست کسانی بیفتد که فریادشان بلندتر است اما دانششان اندک تر، آن جامعه دیگر نمی تواند فتنه را از حقیقت تشخیص دهد، حاصل این چرخش خطرناک، مردمی می شوند که «خوابشان، بیداری است و سرمه چشمانشان اشک». یعنی حتی در آسایش ظاهری نیز آرامش ندارند.

امروز وظیفه نخبگان، عالمان و روشنفکران متعدد این است که این سکوت را بشکنند. اگر در جامعه ای ببینیم که چهل، محبوبیت و ثروت می آورد و علم و تقوا، انزوا و فقر، باید بدانیم که به تعبیر نهج البلاغه، «دعائم ایمان فروریزخته و راه های آن فرسوده شده است.»

علاج این درد، نه با گلابیه، بلکه با بازگشت به میدان و روشنگری شجاعانه است. باید دوباره علم را عزت بخشید و چهل را رسوا کرد، وگرنه فتنه ها، ما را با شُم های خود لگدمال خواهند کرد.

احکام

حکم شرط پرداختِ تورم در قرض

سمانه رضوانی! قرض دادن به دیگران از سنت های حسنه و مورد تأکید آموزه های دینی است و در قرآن کریم و روایات به عنوان عملی نیکو و سبب برکت، معرفی شده است. در زندگی اقتصادی امروز، باتوجه به نوسانات مستمر قیمت ها و کاهش ارزش پول ملی، این پرسش به طور جدی برای بسیاری از مردم مطرح می شود که آیا طلبکار می تواند هنگام پس گرفتن قرض، علاوه بر اصل مبلغ، معادل کاهش ارزش پول و نرخ تورم رانیز مطالبه کند. به بیان دیگر، اگر پولی قرض داده و شرط شود که قرض گیرنده، مبلغ تورم را هم موقع پرداخت حساب کند، چه حکمی دارد. این مسئله از آن نظر اهمیت دارد که از یک سو با قاعده حرمت ربا و ممنوعیت هرگونه زیاده در قرض مرتبط است و از سوی دیگر با حفظ ارزش واقعی پول و انصاف میان دو طرف، پیوند دارد. در ادامه، نظر چند مرجع تقلید آورده می شود.

شهید آیت الله العظمی سید علی خامنه ای: جایز است و صدق زیاده نمی کند.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی:

بحث تورم مربوط به محافل علمی است و در عرف، مردم اگر پول دهند و اضافه بگیرند، سود محسوب می شود و تا زمانی که مسئله تورم در عرف بازار در محاسبه دیون و مطالبات مورد محاسبه قرار نگیرد و تنها در محافل علمی مطرح باشد، گرفتن چنین سودهایی جایز نیست.

آیت الله العظمی سید علی سیستانی:

اگر فرد مبلغی «پول» از دیگری قرض بگیرد یا ثمن معامله نسیه یا اجرت در عقد اجاره و مانند آن یا مهریه زن به صورت «پول» و دین بر ذمه فرد (بدلکار) باشد و در زمانی که به دیگران قصد دارد بدهی خود را به طلبکار بپردازد، ارزش پول کاهش یافته باشد، پرداخت همان مقدار اولیه کافی است، مگر آنکه کاهش ارزش پول، فوق العاده زیاد باشد، مثلاً ارزش پول به اندازه یک بیستم مبلغ اولیه شود که در این صورت، پرداخت آن مبلغ، بنابر احتیاط واجب، کافی نیست و بنابر احتیاط، لازم است با پرداخت مبلغ بیشتر با طلبکار مصالحه کند.

گفت وگو

آمنه مستقیمی! در میان صفحات پرشمار اینستاگرامی که اغلب محل جولان مصرف گرایی، رفاه زدگی یا هدایت افکار به مسیر زیاده خواهی و نارضایتی از وضعیت موجود زندگی است، هستند صفحاتی که با خوش فکری و سلیقه و چاشنی معنویت و بدون آنکه به راه های سخت برای جذب عضو و مخاطب متوسل شوند، نه تنها ساده و بی آرایش از خدا و دین حرف می زنند، بلکه جاده صاف کن اتفاقات مهم دینی مذهبی هستند: مثل صفحه «نماز خیابانی» که اهتمام و اراده را جایگزین خجالت کرده است و مشوق نماز خواندن در فضا های عمومی است. با امیر رفیعی، ادمین و مبتکر صفحه و فعال فضای مجازی، گپ وگفتی صمیمانه درباره این صفحه، اهداف و تأثیراتش داشته ایم.

دغدغ های که از تاکسی اینترنتی آغاز شد

ایده راه اندازی صفحه «نماز خیابانی»، با یک نیاز و دغدغه شخصی شروع شد؛ زمانی که به عنوان راننده تاکسی اینترنتی کار می کردم یا در سفر بودم، وقت نماز که می رسید، گاهی مجبور بودم کنار خیابان نماز بخوانم، در همان لحظات با خودم فکر کردم که چقدر خوب است این تصاویر ثبت و منتشر شود، نه فقط برای من، بلکه برای هر عابری که رد می شود و شاید در ذهنش این سؤال پیش آمده باشد که آیا می توان در این شلوغی و هیاهو و کنار خیابان و مقابل چشم عابران، نماز خواند و نگران نگاه و قضاوت دیگران نبود؟

درک درستی از ریانداری

صفحه «نماز خیابانی» حدود ۶ سال سابقه دارد و در این مدت حدود چندصد پست و استوری در آن منتشر شده است. تفاوت کار مادر استمرار و زبان نوست؛ فعالیت مذهبی در فضای مجازی و انتشار مناسک و رفتارهای دینی، اغلب مواقع با نقدهایی مثل ریاکاری یا تقابل با مفاهیمی مثل آزادی، مواجه بوده است؛ برای مثال درباره پست های صفحه نماز خیابانی نیز برخی می گویند انتشار این تصاویر ریا به حساب می آید. اما تعریف من از ریا، تفاوت بین عمل و اعتقاد است و اینکه کسی در خلوت و آشکار یکسان عمل کند و کارش برای خدا باشد، ریا نیست.

نماز خیابانی، نماد آزادی است

برخی هم با مفهوم و تعبیری مثل آزادی و نقض آن به این موضوع نگاه می کنند. اما آزادی واقعی یعنی چه؟ اگر آزادی فقط یک طرفه باشد و من تحمل اعتقاد و عمل طرف مقابل را نداشته باشم، آزادی دیگر معنا ندارد. اگر کسی در خیابان نماز می خواند، نباید به او ناسزا گفت و فحش داد یا نگاه تعجب و تحقیرآمیز داشت. هنر ما این است که به جای استدلال های خشک فلسفی، با زبان هنر و ایجاد یک حس خوب، روی دل و ذهن مخاطب کار کنیم.

درهای مساجد را به روی مردم باز کنیم

شاید زیباترین بخش تصاویر صفحه نماز خیابانی، دیدن نمازگزارانی باشد که در میان هیاهوی شهر، سجاده ای از جنس آسمان پهن کرده اند. اما این اهتمام و ایستادن پای ارزش ها و اعتقاد، نباید مانع طرح این سؤال شود که چرا درهای مساجد بعد از نماز، بسته می شود و به روی مردم باز نیست؟ تصاویر و پست های صفحه نشان می دهد که مردم عشق به نماز دارند و می خواهند نماز بخوانند اما متأسفانه در بیشتر مواقع درهای مساجد بسته است یا مدیریت ها به گونه ای است که مردم ترجیح می دهند در فضای باز نماز بخوانند تا اینکه به مسجد بروند.

خجالت را از بین ببریم

مهم ترین دستاورد این صفحه رسانه ای، تغییر رفتار مخاطبان در دنیای واقعی است. بزرگ ترین موفقیت ما این بوده است که توانسته ایم خجالت را از بین ببریم. بسیاری از مخاطبان به ما پیام می دهند و می گویند: «قبلا در میهمانی یا در پارک، خجالت می کشیدم نماز بخوانم، اما وقتی تصاویر شما را در صفحه می بینم، انگیزه بیشتری پیدا می کنم و راحت در مکان های عمومی نماز می خوانم». این یعنی ما توانسته ایم یک مانع روانی برای ادای فریضه نماز در فضاهای عمومی را بشکنیم.

به دنبال ترویج، ایمان ابو ذری هستیم

اگرچه در آغاز کار و روند استمرار فعالیت صفحه «نماز خیابانی»، هدفمان ترویج نماز و ایجاد فضای ذهنی و روحی برای برپایی نماز در مکان های عمومی بدون دغدغه قضاوت شدن بود، اما این مقصد نهایی نیست؛ به تعبیر رهبر مجاهد شهید، اساس انقلاب اسلامی برپایه دین و دانش بنا شده است و ما برای جامعه سازی به «ایمان ابو ذری» نیاز داریم؛ «ایمان امروز ما ایمان ابو ذرساز نیست؛ البته خوشبختانه در جمهوری اسلامی، به صورت فردی، افراد ابو ذرگونه داشته ایم، [از قبیل] همین شهدای بزرگ، نامدار و بعضی حتی گمنام، این ها هستند اما جامعه باید تغییر پیدا کند، صلاح باید سراسر جامعه را فرا بگیرد.» (۱۴۰۴/۱۰/۲۷) در همین راستا به دنبال این هدف هستیم که قرآن و آذان خیابانی را هم ترویج کنیم با همین اعضای گروه فعال در صفحه، ماهانه به یک مسجد سر بزنیم و آن را غبارروبی کنیم و تصاویرش را با دنبال کنندگان به اشتراک بگذاریم.



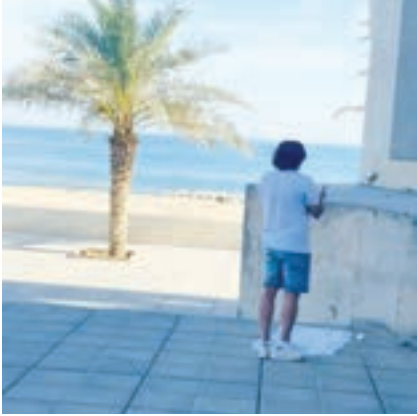
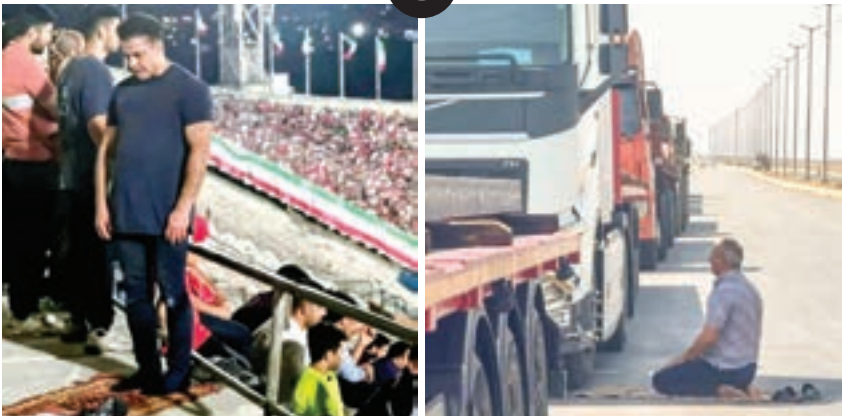
آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

درنگ

گفت وگو با امیر رفیعی، ادمین صفحه مجازی «نماز خیابانی»

درباره آثار و جریان سازی نماز اول وقت در فضای عمومی جامعه

هر کجا هستیم، باشیم آسمان مال من است*



namaz_khiyabani

* تیترا: بخش از شعر سهراب سپهری

عربی خوانی نماز؛ سخت گیری یا ضرورت؟

می دهند که می توان در قنوت نماز به فارسی دعا کرد، پس آنجا با تمام وجود و به زبان فارسی با خدای خود نجوا کن اما نماز، فراتر از یک گفت وگویی فردی، یک «عبادت جمعی» است. خداوند عرب نیست، اما عبادت باید از نظمی برخوردار باشد، نظمی در شکل، حرکات، افعال و عبارات که میان تمام مؤمنان و مسلمانان جهان یکسان باشد. این «زبان مشترک»، شناسنامه هویتی ما در سراسر نقاط کره خاکی است؛ در هر جای این زمین که باشی، باید با «رنگ نماز» شناخته شوی.

نماز: «تأتمی» و وحدت امت اسلام

بیا باید این موضوع را با یک مثال ملموس باز کنیم: یک تکیه دار و تکیه دار را تصور کنید که کمر بند مشکي دارد. او وقتی برای مسابقات، تمرین یا آموزش به کشوری دیگر می رود، نمی تواند لباس یک ورزش دیگر را بپوشد یا به بهانه اینکه «من ایرانی ام» و دوست دارم کمر بند دیگری ببندم، قوانین جهانی آن رشته را زیر پا بگذارد. وقتی روی «تأتمی» می رود، باید به قواعد جهانی آن ورزش، پایبند باشد. نماز هم همین طور است؛ تأتمی بندگی ما، همان زبان عربی نماز است. این «لغت مشترک»، بند اتصالی است که یک میلیارد انسان را در پهنه گیتی، در یک صف واحد قرار می دهد و به آن ها هویت واحدی می بخشد.

ترک نماز، دنبال بهانه هایی از جنس زبان و ملیت بگردند.

ترجمه: ناتوان از بیان اعجاز وحی

به او گفتیم: «زبان عربی از کامل ترین و شگفت انگیز ترین زبان های دنیاست. خداوند برای بیان معجزه آخرین پیامبرش لغت عربی را برگزیده است.» اگر قرار باشد آنچه در سوره حمد و توحید می خوانیم، به فارسی برگردانیم، «البته اگر بتوانیم حق معنا را دا کنیم)، باید برای رساندن حقیقت هرا یه، چندین صفحه ترجمه و شرح بر زبان، جاری کرد. علامه جوادی آملی (دامت برکاته) می فرمایند: برای واژه «رَبُّ الْعَالَمِينَ»، «معادل دقیق فارسی وجود ندارد و ترجمه آن به «پروردگار جهانیان»، ناقص است. یا وقتی می گویم «الحمد لله»، تفاوت عمیق «حمد» یا «شکر» در مفاهیم قرآنی، چنان است که در هیچ ترجمه ای نمی گنجد. حتی در «الرحمن الرحیم»، این دو واژه از یک ماده مشترک (ر، ح، م) گرفته شده اند. اما تفاوتی عمیق میان رحمت عام و خاص الهی دارند که در ترجمه فارسی ساده، ناپدید می شود.

قنوت: پنجره ای برای نوحا به زبان مادری

به او گفتیم: «اگر اشتیاق داری با خداوند به زبان مادری سخن بگویی، دین اسلام، راه را نبسته است.» اکثر مراجع و فقها فتوا